



Representation of women's social movements in movies (Suffrage, Northern Land, Iron Jaw Angels, Rosa Parks Story) from the decade (1920-2016) Charles Sanders Peirce Semiotics

Elmira Sasanpour¹, Afsana Idrisi^{*2}, Majid Tusli³
(Received date: 2023/12/01 - Accepted date: 2024/01/30)

Abstract:

In this article, the subject of representation of women's social movements in the films of suffrage, Northland, Angels of Iron Jaw, Rosa Parks story from the decade (1920-2016) is discussed. The women's movement is an organized movement to achieve women's rights and an ideology for the transformation of society, whose goal is the dream of eliminating all kinds of racial discrimination. And with Charles Tilly's theory of collective action and the fundamental theories of feminism, he wants to analyze how effective movies will be in representing women's social movements. It seems that movies play a prominent role in expressing and representing women's social movements in society. The findings of the research indicated that the meanings represented in the films include: negation of the status quo and our identity, having a plan and organized collective behavior, clarity of goals, having an ideology, commitment and obligation, opposition to violent behaviors, radical movement, value, Commitment has been unity.



Keywords: Social movements, representation, women's films, feminism, semiotics

¹ PhD student in Political Sociology, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran
Elmirasasanpour@yahoo.com

² Associate Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran (corresponding author): Edrisiafsaneh@yahoo.com

³ Associate Professor, Political Science Department, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran. tavasoli@gmail.com



بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان در فیلم‌های سینمایی (حق رأی، سرزمین شمالی، فرشته‌های آرواره آهنین، داستان رزا پارکس) از دهه (۲۰۱۶-۱۹۲۰) باروشن نشانه شناسی چارلز سندرس پیرس

ایلمیرا ساسانپور^۱، افسانه ادیسی^۲، مجید توسلی^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰)

چکیده:

در این مقاله به موضوع بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان در فیلم‌های سینمایی حق رأی، سرزمین شمالی، فرشته‌های آرواره آهنین، داستان رزا پارکس از دهه (۲۰۱۶-۱۹۲۰)، پرداخته می‌شود. جنبش زنان، جنبشی سازمان یافته برای دستیابی به حقوق زنان وایدئولوژی برای دگرگونی جامعه است که هدف آن رویای دفع انواع تبعیض وستم نژادی می‌باشد. در این مقاله نویسنده با بررسی چهار فیلم سینمایی با روش کیفی و با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناسی چارلز سندرس پیرس و با نظریه کنش جمعی چارلز تیلی و نظریه‌های بنیادی فمینیسم می‌خواهد به این تحلیل برسد که فیلم‌های سینمایی تا چه حد در بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان موثر خواهد بود. به نظر می‌رسد که فیلم‌های سینمایی نقش پررنگی در بیان و بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان در جامعه دارند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بودند که معنایی که در فیلم‌ها بازنمایی شده‌اند شامل: نفی وضع موجود و هویت ما محور، داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمان یافته، مشخص بودن اهداف، داشتن ایدئولوژی، تعهد الزام، مخالفت با رفتارهای خشونت‌آمیز، جنبش رادیکال، ارزشمندی، تعهد، وحدت بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: جنبش‌های اجتماعی، بازنمایی، فیلم‌های سینمایی زنان، فمینیسم، نشانه شناسی

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران
^۲ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول):
^۳ دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.



مقدمه:

تاریخ همواره شاهد وقوع کشمکش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و مذهبی میان بخش‌هایی از مردم و دولت‌ها و حاکمان بوده است. اوج این گونه کشمکش‌ها وقوع انقلاب‌های لیبرالیستی در انگلستان و سایر انقلاب‌های مشروطه‌خواهی در قرن نوزدهم در کشورهای مختلف اروپایی و آسیایی است. پس از آن در نتیجه ناکارآمدی نظام‌های سیاسی موجود خیزش‌ها و جنبش‌های هویتی بر محور منازعات ملی، قومی و نژادی شکل گرفت که پیامدهای آن وقوع جنبش‌های فاشیستی و نازیستی و نهایتاً جنگ جهانی دوم است. پس از جنگ جهانی دوم موج جدیدی از جنبش‌های اجتماعی شکل گرفت که کاملاً برعکس جنبش‌های پیشین به دنبال دستیابی به قدرت نبودند. ویژگی این جنبش‌های اجتماعی جدید که از دهه ۱۹۶۰ به وجود آمدند عبارت بود از: عملکرد غیر ابزاری؛ جهت‌گیری آنها به سوی جامعه‌مدنی و نه دولت؛ توجه آنها به جنبه‌های نظیر فرهنگ، شیوه‌های زندگی و مشارکت در سیاست و اعتراض سمبلیک تا ادعای حقوق اجتماعی و اقتصادی؛ این جنبش‌ها بی‌تردید از گونه جنبش‌های هویت‌گرا بودند که هیچگاه در صدد دستیابی به قدرت برنیاوردند. از لحاظ تاریخی مباحث مربوط به جنبش‌های اجتماعی، نخست در نوشته‌های پیرامون رفتار جمعی آورده می‌شد و برخی از متفکران، این دو مفهوم را یکی می‌دانستند، اما جنبش‌های اجتماعی سازمان یافته‌اند و اهداف خاصی را دنبال می‌نمایند. هرچند رفتارهای جمعی و جنبش‌های اجتماعی هر دو واکنش‌هایی جمعی در برابر شرایط مسئله‌داری هستند. بنابراین جنبش‌های اجتماعی عبارت از حرکت سازمان یافته مجموعه‌ای از انسانها در زمینه‌ای از امکانات و محدودیت‌ها، به دنبال یک رهبر یا مجموعه‌ای از رهبران و همراه با یک ایدئولوژی مشخص است، این حرکت می‌تواند بصورت حرکتی انقلابی برای ایجاد تغییری بنیادی یا حرکتی آرام برای ایجاد تغییری تدریجی باشد. (زاهد، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۹).

سرعت و شدت تغییرات اجتماعی منجر به پیدایش طبقات و گروه‌های نو ظهور با علائق، گفتمانها و خاستگاههای جدید، پیدایش نظام ارزشی هنجاری جدید، عقلانی شدن فرآیندهای اجتماعی و گشودگی فضای اجتماعی ناشی از ارتباط با جوامع دیگر شده و نیروهای اجتماعی جدید که حاملان اندیشه‌ها، ایده‌ها و باورهای جدید برای جامعه هستند خواسته و مطالبات مدرن را در قالب گفتمان جدید تئوریزه کرده و نظام اجتماعی حاکم را به چالش میکشاند. در این چالش گفتمانی اگر نظام سیاسی اجتماعی حاکم بر جامعه نخواهد و یا نتواند همگام با مطالبات جدید اجتماعی شود و یا به زعم مکتب رفتار جمعی زمانی که هنجارهای سنتی دیگر نتواند یک ساختار رضایت‌آمیز برای رفتار ارائه دهند، آحاد جامعه مجبور میشوند نظام اجتماعی را از طریق اشکال گوناگون ناسازگاری به چالش بکشاند. در این شرایط نیروهای اجتماعی با استفاده و ساماندهی نیروها و گروههای دیگر به تدریج سایر لایه‌های اجتماعی را با خود همراه و همگام نموده و در صدد گسترش اشکال گوناگون ناسازگاری در لایه‌های پایین جامعه شده تا با فراگیر کردن جنبش ایده‌ها، باورها و مطالبات نو ظهور را که در قالب گفتمانها و پارادایم‌های رهبران تئوریزه شده است محقق نمایند (Harvey, 1989:225) موفقیت نهایی یک جنبش اجتماعی زمانی محقق می‌شود که جنبش رفته



رفته جذب سیستمی شود که در اعتراض به آن مبادرت به بسیج هواداران کرده بود. (حشمت زاده، ۱۳۹۲: ۲۲۷)

جنبش اجتماعی به شکلی از عمل جمعی اطلاق می‌شود که با هدف دگرگونی اجتماعی با تغییر بخشی از آن اجتماع صورت می‌گیرد و معمولاً زمانی شکل می‌گیرد که شیوه‌ی توزیع قدرت، قوانین جامعه یا تصمیم‌های اتخاذ شده از سوی سیاست‌گذاران و کسانی که در رأس قدرت‌اند، نتواند مسائل عمده‌ی جاری را حل و نیازهای اکثریت اعضای جامعه را برآورده سازد. (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲) در بین جنبش‌ها، جنبش زنان، جنبشی سازمان یافته برای دستیابی به حقوق زنان و ایدئولوژی برای دگرگونی جامعه است که هدف آن صرفاً تحقق برابری اجتماعی زنان نیست، بلکه رویای دفع انواع تبعیض و ستم نژادی رادر سر می‌پروراند. همه گرایش‌هایی که زیر چتر گسترده این جنبش گردآمده‌اند، براین باورند که زنان با بی‌عدالتی روبه رو شده‌اند، اما درباره علل ستم برآنان، تحلیل‌های مختلفی ارائه می‌دهند و بر همین پایه، راهبردهای متفاوتی نیز پیشنهاد می‌کنند. بخشی از جریان اصلی کنش‌های جمعی زنان معطوف به جنبش‌های فمینیستی است. فمینیسم، جنبشی سازمان یافته برای دستیابی به حقوق زنان و ایدئولوژی‌ای برای دگرگونی تعریف شده است. در واقع، فمینیسم نه تنها در زمینه گسترش حقوق و نقش زن در جامعه فعالیت می‌کند که در حیطه عمل نیز وارد شده است. (امین صارمی، ۱۳۹۵: ۸) در مجموع، فمینیسم ایدئولوژی آزادی زنان است؛ چرا که در همه رویکردهای آن، این عقیده نهفته است که زنان به دلیل جنسیتشان، اسیر بی‌عدالتی هستند. جنبش زنان برای تغییر در ابتدا از سالن‌های اتحادیه و کارخانه‌ها بوجود آمد و به حوزه‌ی وزرا گسترش یافت. (Dorothy Sue Cobble, 2005, به نقل از سایت amazon.com). زنان بسیاری در سراسر تاریخ برای برابری مبارزه کرده‌اند. در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، زنان خواستار حق رأی بودند. در دهه ۱۹۶۰، حقوق و فرصت‌های برابر برای زنان - هم در خانه و هم در محل کار - حتی بیشتر بوده است. (DEBORAH HOPKINSON and WHO HQ Illustrated by LAURIE A, 2018, به نقل از سایت amazon.com)

یکی از رسانه‌هایی که در بازتولید اینگونه کلیشه‌ها و القای جنبش‌های اجتماعی نقشی اساسی دارد سینماست. این رسانه در قالب فیلم‌های سینمایی با داستان پردازی قوی براین نکته تاکید دارد که آنچه به مخاطب عرضه می‌کند، واقعیت دارد و مخاطب نزد خود اینگونه فرض می‌کند که آنچه بازنمایی شده است عین واقعیت است. فیلم و سینما عرصه اجتماعی - فرهنگی است و همانطور که در فرهنگ جامعه تأثیر می‌پذیرد، بر آن نیز اثر می‌گذارد، در این رابطه‌ای متقابل و دوسویه دارد، از این رو می‌تواند بابرجسته کردن مسایل و موانع هر قشر و گروهی از اعضا جامعه نقش مهمی ایفا نماید که هنرمندان بسیاری در هر کشور تکلیف خودشان می‌دانند که با استفاده از این ابزار رسالت ملی و فرهنگی خودشان را انجام دهند و با تولید آثار هنری ارزش‌ها و تاریخ مملکتشان را به نسل‌های بعدی بشناسانند و در درجه بالاتر آن را به جهان معرفی و



منتقل کنند. (اسمعیلی، ۲: ۱۳۹۱) لذا تحلیل فیلم به عنوان یکی از روشهای شناخت جنبش‌های اجتماعی می‌تواند مفید باشد. در علم ارتباطات و مطالعات رسانه، بازنمایی به معنای نوشته‌ها، تصاویر، داستان‌ها و اصوات و گفتارهایی است که ایده‌ها، احساسات و موارد دیگری از این دست را نشان می‌دهند. بازنمایی‌ها با استفاده از تلقی‌ات و نشانه‌های موجود در یک فرهنگ و بر مبنای تقابل‌های تعریف شده در سیستم زبانی و معرفتی آن فرهنگ، عمل می‌کنند. در این پژوهش جنبش‌های اجتماعی زنان در چهار فیلم سینمایی تحلیل خواهد شد. برای این منظور با تحلیل محتوای کیفی فیلم‌های سینمایی، مقوله‌های مهم و مفاهیم کلیدی استخراج می‌گردد. لذا سوال اصلی پژوهش اینست که "بازتاب جنبش‌های اجتماعی زنان در دهه‌های ۱۸ و ۱۹ در فیلم‌های سینمایی چگونه بوده است؟"

پیشینه تحقیق

صدقی، رضا، (۱۳۸۸) در تحقیق خود به بررسی «جنبش‌های جدید اجتماعی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به بررسی موردی جنبش زنان ایران در استفاده و خشنودی از اینترنت» پرداخته است. از یافته‌های این تحقیق می‌توان به اثبات مشابهت ویژگی‌های جنبش زنان ایران با جنبش‌های جدید اجتماعی اشاره نموده و نیز اینکه در استفاده از اینترنت مجموعه‌ای از عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری سبب گرایش به استفاده از اینترنت می‌شوند.

Danielle Thomas, Michael R Cope, Sarah Becker- (۲۰۱۶) در تحقیق خود به بررسی «پسافمینیسم برای کودکان: فمینیسم با بسته‌بندی جدید» در فیلم‌های براتز (Bratz) پرداخته و به این نتیجه رسیده که پس از انتشار عروسک‌های براتز در سال ۲۰۰۱، این عروسک‌ها بخشی از سهم فروش عروسک‌های نوجوانان که پیش‌تر در انحصار عروسک باربی بود را به دست آوردند. در میان محبوبیت روزافزون عروسک‌های براتز، منتقدان فرهنگی نگرانی‌های بسیاری را نسبت به این عروسک‌ها به ویژه در مورد نحوه جنسی کردن نوجوانان توسط این عروسک‌ها ابراز کردند، اما خط تولید توسعه یافت به گونه‌ای که شامل شمار کثیری از محصولات مثل پوشاک، جعبه‌های آرایش، بازی‌ها، کتاب‌ها و فیلم‌های سینمایی می‌شد. این عروسک همچنین الهام بخش خطوط تولید عروسک‌های مشابه توسط سایر شرکت‌های اسباب‌بازی شد.

ادبیات نظری تحقیق

چارلز تیلی (Charles Tilly) از جمله نظریه‌پردازان تاثیرگذار در زمینه مطالعات جنبش‌های اجتماعی به شمار می‌آید. نظریه جنبش‌های اجتماعی تیلی ذیل عنوان نظریه‌های تعارض سیاسی که خود تحت نظریه‌های تعارض سیاسی سازماندهی و بسیج منابع قرار دارد، دسته‌بندی می‌شود. تیلی نقطه عزیمت نظری خود را مفهوم کنش جمعی قرار می‌دهد و آن را عبارت می‌داند از «کنش مردم با هم در تعقیب منافع مشترک».



کنش جمعی از دید وی ناشی از ترکیب‌های متنوع و متحول منافع، بسیج و فرصت است (تیلی، ۱۳۸۹: به تلخیص از ۱۶-۱۲) خطوط تحلیلی‌ای که او دنبال می‌کند، از سازمان تا بسیج تا کنش جمعی تا انقلاب است (Tilly, 1978: 7). تیلی، برای توضیح کنش جمعی از الگوی بسیج استفاده می‌کند. عناصر این الگو عبارتند از: منافع، سازمان، بسیج، فرصت و کنش جمعی. منافع، مجموعه امتیازات و محرومیت‌های مشترکی است که ممکن است در اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت‌ها بر جمعیت مورد بحث وارد آید. سازمان، میزان هویت مشترک و ساختار وحدت بخش افراد در درون یک جمعیت است. بسیج، میزان منابعی است که تحت کنترل جمعی یک مدعی قرار دارد. کنش جمعی، میزان اقدامات جمعی یک مدعی در جهت نیل به هدف مشخصی است. فرصت، رابطه میان منافع جمعیت و وضعیت جهان اطراف است به عقیده وی، «عناصر عمده تعیین کننده بسیج یک گروه، سازمان آن، منافع آن در تعاملات ممکن با دیگر مدعیان، فرصت یا تهدید کنونی آن تعاملات و در معرض سرکوب بودن گروه هستند» (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۵-۱۰۴). تیلی در تعریف از سازمان، بر دو محور عمده اشاره می‌کند: ۱. میزان هویت مشترک ۲. ساختار وحدت بخش. برای توضیح این دو مفهوم از بحث روابط دسته‌ای و روابط شبکه‌ای بهره می‌گیرد. روابط دسته‌ای، روابط میان افراد حول ویژگی‌های مشترک است، همانند هویت جنسیتی، نژادی، ملی، سنی، مذهبی و ... روابط شبکه‌ای به ارتباط و پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم به واسطه نوع خاصی از پیوندهای بین افراد اشاره دارد. ترکیب روابط دسته‌ای و شبکه‌ای منجر به پیدایش گروه می‌شود. در نتیجه، به اعتقاد تیلی، «هر قدر که یک گروه از هویت مشترک و شبکه‌های داخلی وسیع تری برخوردار باشد، سازمان یافته‌تر است» (همان: ۹۵-۹۳). تیلی معتقد است که واژه بسیج به شکل متعارف معرفی کننده فرایندی است که بواسطه آن گروهی از حالت مجموعه منفعلی از افراد به مشارکت کننده فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شود. تیلی از سه شکل بسیج نام می‌برد: یکم بسیج تدافعی، دوم بسیج تهاجمی و سوم، بسیج تدارکی (همان: ۱۱۳-۱۰۴). سپس تیلی کنش‌های جمعی را که از سوی گروه‌های اجتماعی به عمل می‌آید به سه نوع تقسیم می‌کند:

۱- کنش رقابتی: نوعی کنش ابتدایی است که از سوی یک گروه به منظور به دست گرفتن امکانات یک گروه دیگر صورت می‌گیرد. در صورتی که این نوع کنش‌ها خشونت‌آمیز شوند، اگر از سوی گروه‌های جماعتی باشند شکل خشونت‌های جمعی ابتدایی را به خود می‌گیرند و اگر از سوی گروه‌های سازمان یافته باشند، به صورت میتینگ و راهپیمایی ظاهر می‌شود.

۲- کنش جمعی واکنشی یا تدافعی: این نوع کنش از سوی گروه‌هایی صورت می‌گیرد که منابع آنها توسط گروه‌های دیگر تهدید شده است. در صورتی که این نوع کنش‌ها خشونت‌آمیز شوند، اگر از سوی گروه‌های جماعتی باشند، معمولاً به صورت شورش‌های خودانگیخته و محلی ظاهر می‌شوند و اگر از سوی گروه‌های سازمان یافته باشند به صورت سرکوب‌های سازمان یافته وسیع جلوه می‌کند.



۳- کنش جمعی پیشقدمانه یا تهاجمی: این نوع واکنش از سوی گروه‌های معارضة جو به منظور ورود به هیأت حاکمه یا دولت صورت می‌گیرد. در صورتی که این نوع کنش‌ها خشونت‌آمیز شوند، اگر از سوی گروه‌های جماعتی باشند به صورت نهضت‌های تجدید حیات ظاهر می‌شود و اگر از سوی گروه‌های سازمان‌یافته باشند حیات تهاجمی به خود می‌گیرند (همان: ۵۷). به نظر تیلی، با افزایش تهدید احتمال شکل‌گیری کنش جمعی بیشتر می‌شود و با سازمان‌دهی و تشکل بیشتر، امکان جذب منابع برای گروه‌های مدعی قدرت افزایش می‌یابد و با تحدید گستره کنش و افزایش قدرت گروه، از احتمال سرکوب کاسته می‌شود (محمد کریمی، ۱۳۸۲: ۱۱۸).

تیلی توان جنبش‌های اجتماعی را متشکل از ترکیبی با عنوان wunc می‌داند که از ارزشمندی (Worthiness)، وحدت (Unity)، تعداد (Numbers) و تعهد (Commitment) تشکیل یافته است. در صورتی که این ترکیب به صفر برسد، توان جنبش نیز صفر خواهد شد و جنبش اعتبار خود را از دست خواهد داد. تیلی ویژگی جنبش‌های جدید را استفاده از رسانه‌های ارتباطی جدیدتر مانند تلویزیون، رادیو و در دوره‌های اخیر، موبایل می‌داند. جنبش‌های اجتماعی سه نوع ادعا را با هم ترکیب می‌کنند: برنامه، هویت و جایگاه. ادعاهای مربوط به برنامه دربردارنده‌ی حمایت یا مخالفت در خصوص کنش‌های واقعی یا فرضی اهداف ادعاهای جنبش است. ادعاهای مربوط به هویت دربردارنده‌ی تأکید بر این مطلب است که «ما» - مدعیان - نیرویی واحد را تشکیل می‌دهیم و باید ما را متحد در نظر بگیرید. اقدامات WUNC (ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد) ادعاهای مربوط به هویت را مورد حمایت خود قرار می‌دهند. ادعاهای مربوط به جایگاه بر پیوندها و تشابهات با دیگر کنشگران سیاسی، مانند اقلیت‌های محروم، گروه‌های شهروندی به خوبی شکل یافته، یا حامیان وفادار رژیم، تأکید دارند (تیلی، ۱۳۸۹: ۳۰-۲۷).

از دیگر نظریه‌پردازان مطرح در حوزه جنبش‌های اجتماعی می‌توان سیدنی تارو را نام برد. سیدنی تارو استدلال می‌کند که جنبش‌های اجتماعی بطور فردی رخ نمی‌نمایند بلکه بخشی از یک موج عمومی ناآرامی اجتماعی هستند که عموماً به وسیله بعضی از وقایع پیش‌بینی ناپذیر تسریع می‌گردند و به وسیله تغییر در ساختار فرصت‌های سیاسی تسهیل می‌شوند. وی در تشریح این فرایند از مفهوم «دوره‌های اعتراض (Protest courses)» استفاده می‌کند. به اعتقاد تارو، اگر از دور به هر یک از امواج عمل جمعی نگاه کنیم نمایانگر یک مخروط هستند، یعنی از یک منازعه نهادی شروع می‌شوند، به اوج شور و حرارت می‌رسند و به فروکش نهایی ختم می‌شوند. اقدامات جمعی پس از جلب توجه ملی و پاسخ دولت، به مرحله اوج منازعه می‌رسند که ویژگی این مرحله وجود سازمان دهندگان جنبش است که سعی در کشاندن شورش‌ها به طیف‌های گسترده‌تری از مردم دارند. هنگامی که مشارکت به کانال سازمان‌ها کشیده می‌شود جنبش‌ها یا بخشی از آنها منطق سیاسی تری پیدا می‌کنند و به چانه زنی ضمنی با دستگاه‌ها وارد می‌شوند. در نهایت هنگامی که چرخه اعتراض فروکش می‌کند ابتکار عمل به دست نخبگان و احزاب می‌-



افتند (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۳: ۲۷۱-۲۷۰). در واقع، چرخه‌های اعتراض با برهه‌های شدت عمل جمعی همزمان هستند، اما باید توجه داشت که پایان هر چرخه اعتراض به معنی پایان کار جنبش نیست، بلکه در دوره زوال چرخه‌های اعتراض، سازمان‌های جنبش رویکردی معتدل‌تر و بلندمدتی را اتخاذ می‌کنند که منجر به قدرتمند شدن آنها برای آغاز چرخه اعتراضی جدیدی در آینده می‌شود (نش، ۱۳۸۴: ۱۵۲). سیدنی تارو جنبش‌های اجتماعی را در عرصه وسیع سیاست‌های مخالف، در ارتباط با دولت‌ها، احزاب سیاسی و بازیگران دیگر قرار می‌دهد. از دهقانان و کمونیست‌ها در دهه ۱۹۶۰، به حرکات و سیاست در سیاست‌های معاصر غرب، به جنبش عدالت جهانی در قرن جدید، که بازیگران متضاد نه در خارج از سیاست و نه کاملاً در سیاست، بلکه در قلمرو نا اطمینانی بین کل مخالفت و ادغام در سیاست هستند (Sidney Tarrow, 2012,) به نقل از سایت amazon.com).

جنبش‌های اجتماعی، اختلافات قومی، ملی‌گرایی و حقوق مدنی و جنبش‌های فراملیتی: این گونه سیاست‌های مخالف در سیاست‌های متضاد چارلز تیلی و سیدنی تارو ترکیب شده است. سیاست متضاد به عنوان تعاملی است که در آن بازیگران ادعا می‌کنند که منافع دیگر بازیگران منجر به تلاش‌های هماهنگ شده از سوی منافع مشترک یا برنامه‌ها می‌شود. سیاست‌های متضاد استفاده از تکنیک‌ها مخرب برای ایجاد یک نقطه سیاسی و یا تغییر سیاست دولت است. این دو نظریه پرداز به طور صریح ساختار فرصت سیاسی را در یک رژیم خاص را در مرکز هر تحلیلی یا پیش بینی‌های سیاسی قرار می‌دهند. انواع رژیم‌ها از محور ظرفیت و دموکراسی برای طبقه‌بندی رژیم استفاده میکنند. ظرفیت اشاره به توانایی دولت برای تنظیم زندگی، اقدامات و منابع موجود برای جمعیت در سرزمین آن است و دموکراسی به منظور تعریف حقوق و حمایت‌هایی که شهروندان در برابر قدرت نخبگان از آن استفاده میکنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین هنگامی که ظرفیت و دموکراسی تقاطع می‌شوند، آنها نتایج خاصی را تولید می‌کنند، بطوریکه رژیم‌های دموکراتیک با ظرفیت بالا، یک پدیده مدرن و غیر معمول هستند که در آن جنبش‌های اجتماعی شایع‌تر هستند (Charles Tilly, 2015,) به نقل از سایت amazon.com).

از آنجاییکه این پژوهش به جنبش‌های اجتماعی زنان پرداخته است از نظریه‌های فمینیستی نیز استفاده شده است. نظریه‌های بنیادی فمینیستی را بر مبنای پاسخ‌هایی که به پرسش چگونگی تحول وضعیت زنان ارائه می‌دهند، به سه دسته کلی تقسیم‌بندی می‌کند:

۱- نظریه‌های تفاوت جنسیتی: این نظریه‌ها معتقد جایگاه و تجربه‌ی زنان در بیش‌تر موقعیت‌ها با جایگاه و تجربه‌ی مردان در همان موقعیت تفاوت دارد. مضمون اصلی این نظریه‌ها این است که زنان از ارزش‌ها، داوری ارزشی، انگیزه‌ها، سود، خلاقیت ادبی، احساس هویت، فراگرد آگاهی و ادراک در ساخت واقعیت اجتماعی، بینش و برداشتی متفاوت از مردان دارند که در سه بعد زیست‌شناختی، نمادی و اجتماعی - روان شناختی قابل تبیین می‌باشد.



۲- نظریه‌های نابرابری جنسیتی: براساس این نظریه‌ها جایگاه زنان در بیش‌تر موقعیت‌ها نه تنها متفاوت از جایگاه مردان، که از آن کمتر و با آن نابرابر است و این نابرابری‌ها از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد نه تنها از تفاوت زیست‌شناختی و شخصیتی. تبیین نابرابری‌ها بر پایه‌ی این دسته نظریه‌ها در قالب دو نوع نگرش فمینیستی لیبرال و مارکسیستی عرضه می‌گردد.

۳- نظریه‌های ستمگری جنسیتی: در این نظریه‌ها با مفروض انگاشتن ساختار پدرسالاری در جامعه، موقعیت زنان بر حسب رابطه‌ی قدرت مستقیم میان مردان و زنان به گونه‌ای تبیین می‌شود که زنان در قید و بند، تابعیت، سوء استفاده و بدرفتاری مردان قرار دارند. (ریتزر، ۱۳۸۹: به تلخیص از صفحات ۴۷۴-۴۶۷)

روش پژوهش

در حوزه روش تحلیل، این مقاله از مفهوم بازنمایی بهره جسته است. این مفهوم در مطالعات فرهنگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و معمولاً «بازنمایی» را معناسازی از طریق به کارگیری نشانه‌ها و مفاهیم و استفاده از یک چیز به جای چیز دیگر با هدف انتقال معنا تعریف می‌کنند. معنا به صورت اجتماعی و از طریق نظام‌های نشانه‌شناختی و ایدئولوژیک زبان ساخته می‌شود». این ما هستیم که با استفاده از نظام‌های بازنمایی یعنی نظام مفاهیم و نظام زبان به بساخت معنا همت می‌گماریم. میدان سینمایی به طور عام و سینمای زن به طور خاص، ترکیبی از عناصر، نشانه‌ها، مفاهیم و نمادها را شامل می‌شود که هرکدام بیانگر یا به عبارتی بازنمایی کننده بُعدی از ابعادی از درک زن در جامعه است (محمدپور و همکاران، ۱۳۹۲: ج ۲/ ۱۲۲-۱۲۱)

بازنمایی‌ها فرم‌هایی عینی و دال‌هایی هستند که بازنماینده و نمایانگر ایده‌ها و مفاهیم انتزاعی‌اند و به عبارت دیگر بر آن‌ها دلالت می‌کنند. امروزه مفهوم بازنمایی که به شدت و امدار آثار استوارت‌هال است و به ایده‌ای بنیادین در مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای مبدل شده است، طبق این نظریه، بازنمایی یک عمل مرکزی است که فرهنگ را تولید می‌کند و یک مرحله کلیدی در چرخه فرهنگ محسوب می‌شود. تجلی و نمودار شدن بازنمایی‌ها ممکن است به صورت گفتاری، نوشتاری یا تصاویر متحرک باشد. رسانه‌های جمعی یکی از ابزارهای عمده بازنمایی جهان و انتقال آن به ماهستند. رسانه‌ها بر شناخت و درک عموم از جهان تأثیر می‌گذارند، به این معنا که آگاهی و ذهنیت مردم نسبت به جهان بستگی به محتوایی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند زیرا رسانه‌ها واسطه و میانجی بین آگاهی فردی ساختارهای گسترده‌تر اجتماعی و سازنده معنا هستند. رسانه‌ها همچون آینه برای انعکاس واقعیت عمل نمی‌کنند، بلکه برساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می‌گذارند. براین اساس بازنمایی، ساخت رسانه‌ای واقعیت است. (مهدی زاده، ۱۳۸۷: ۹).



با توجه به موضوع و روش پژوهش نمونه‌گیری ما در این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند همگون است. در این پژوهش فیلم‌های ساخته شده با مضامین جنبش‌های اجتماعی زنان مورد تحلیل قرار می‌گیرد. فیلم‌های منتخب تحقیق حاضر، جز ۲۵۰ فیلم برتر تاریخ سینما در مورد جنبش زنان می‌باشد که بانک اطلاعات اینترنتی فیلم‌ها (imdb) معرفی کرده است. (<http://www.imdb.com/chart/top>)

در این پژوهش ما از روش تحقیق کیفی استفاده کرده و با بهره‌گیری از رویکرد نظری بازنمایی به این تحلیل می‌رسیم که "فیلم‌های سینمایی" تا چه حد در بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان موثر خواهد بود. در روش تحقیق کیفی ما با استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی "چالز سندرس پیرس" به نشانه‌شناسی فیلم‌های "جنبش‌های اجتماعی زنان" خواهیم پرداخت. تکنیک در پژوهش حاضر، نشانه‌شناسی می‌باشد. نشانه‌شناسی بر این فرض استوار است که هر پدیده یک نظام زیربنایی متناظر دارد که خاص بودگی و فهم‌پذیری آن پدیده را رقم می‌زند. بدون شک در روند نمونه‌گیری با توجه به روش نشانه‌شناسی پیرس که باید بر ۳ عنصر اصلی "۱- نمایه ۲- شمایل ۳- نماد" متکی باشد فیلم‌های مورد نظر خود را انتخاب می‌کنیم.

۱- شمایل: از طریق تقلید تصویری یا تشابه فیزیکی با مرجع. در اینجا رابطه نشانه و مفهوم آن بر تشابه استوار است. ۲- نمایه یا شاخص: نمایه یا شاخص از طریق برقراری ارتباط فیزیکی با چیزها بر آنها دلالت می‌کند. در این نوع نشانه، نوعی پیوستگی معنایی بین ابژه و نشانه وجود دارد. نشانه‌های نمایه-ای دل بخواهی نیستند، بلکه مستقیماً به طریقی به موضوعاتشان وابسته‌اند. ۳- نمادها یا نشانه‌های عام: در این نوع، دال شبیه مدلول نیست، بلکه بر اساس رابطه دل بخواهی یا کاملاً قراردادی بر موضوع دلالت می‌کنند.

یافته‌های تحقیق

نشانه‌شناسی فیلم حق رای

فیلمی درام به کارگردانی سارا گورون و با نقش آفرینی کری مولیگان است که در سال ۲۰۱۵ منتشر شد. این فیلم به جنبش طرفداران حق رای زنان در بریتانیا در اوایل قرن بیستم می‌پردازد. داستان زنی از طبقه کارگر که شرایط کاری سخت و استثمار کننده و آزار و اذیت جنسی است را شرح می‌دهد. زنی که در ابتدای امر به صورت اتفاقی درگیر جریان جنبش حق رای زنان می‌شود، اما پس از مشاهده واکنش خشونت‌آمیز دولت، به عنوان مبارزی جدی مشغول به کار می‌شود و بعد از تحمل سختی‌های فراوان سرانجام به هدف خود یعنی حق رای زنان می‌رسد.



10.30495/JSCC.2024.20015



جدول ۱: نشانه شناسی فیلم حق رای

ویژگی‌ها	نام فیلم: حق رای	نماد	شمایل	نمایه
داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمانیافته برای موقعیتهای عادلانه‌تر	جنگیدن برای آزادی زنان، برابری، حق رای. تلاش برای آنکه هر دختری که به دنیا می‌آید شانس برابر با برادرانش داشته باشد. تلاش برای قانون سازی، انتقام از ظالمان، حق خواهی و عدالتجویی، تلاش برای اصلاح قوانین، شکستن پنجره‌ها تا قبل از اینکه بدن زنان شکسته شود.			✓
داشتن ایدئولوژی	استراتژی خاص، پایبندی به اهداف، اعلام برنامه از قبل و دعوت به سخنرانی و دوره‌هایی‌های منظم و پیوسته با وعده و وعید شرایط مناسب‌تر	✓		
تعهد و الزام	رهبر جنبش (خانم پادکست) در صدر و مابقی به صورت سلسله مراتبی و البته دموکراتیک، همدلانه و عملگرا در مراتب پایین‌تر. قلمرو و قدرت نفوذ جنبش، قدرت چانه زنی و حق خواهی برای زنان کم کم پدید می‌آید.		✓	
عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره	تسلیم نشدن، تحمل بدترین شکنجه‌ها، حبس و زندان، دوری از خانه و فرزندان، تعصب در زندان و سازش‌ناپذیری در جهت دستیابی به اهداف. شیوع سریع و همه‌گیری جنبش به واسطه تبلیغات و اصرار و التماس رودر روی خود زنان.		✓	
حریفان واقعی یا تصنعی برای ترویج و رشد جنبش	مرد سالاری، سرکارگران هوسباز و ظالم، دولت، شخص وزیر، شخص پادشاه که در اخر فیلم توسط زنان کشته میشود	✓		
هویت ما محور	به منافع تمام زنان می‌اندیشند. به دختران آینده و برابری‌ها			✓



نفی وضع موجود	مو(شخص اول فیلم) شاهد تجاوز سرکارگر به دختران نوجوان است، حقوق ناچیز، از پول خودشان نمیتوانند برای آزادی خودشان وثیقه بگذارند، سوختگی روی بازوی مو نشان سختی و نامناسب بودن شرایط کار و رخت شور خانه، تجاوز در زندان.		✓	
مخالفت با رفتارهای خشونت آمیز	اعتراض و ایستادگی و دفاع از زنانی که تحت شکنجه و ضرب و جرح قرار میگیرند.	✓		
محرومیت نسبی	کار سخت در محیط کارخانه، حقوق کم، تضاد کار منزل و کارخانه، آلودگی محیط که سوء استفاده جنسی مردان سرکارگر، زنان حق قضاوت، وکالت و حق رای ندارند، از منظر دولت مردان توازن ذهنی برای مشاغل سیاسی ندارند، تصاحب حقوق ناچیزشان توسط شوهران		✓	
جنبش رادیکال	دعوت از تمام زنان برای شورش. شروع به مبارزه مصلحانه و حرکت‌های تخریبی و انفجار. چاپ روزنامه مخالف. سوء قصد به جان وزیر و در نهایت شخص پادشاه.		✓	
میتینگ‌های عمومی	تشکیل کمپینهای زنان مورد موافقت قرار نگرفتن بحث‌هایشان، جلسات مداوم تشکیل میدهند		✓	
رژه‌های رسمی	دعوت به گردهمایی و سخنرانی‌های پنهانی رهبران، یادبود برای جان باختگان جنبش، آتش‌زدن پرچم جلو دوربین‌های تلویزیون در مقابل پادشاه			✓

نشانه‌شناسی فیلم فرشته‌های آرواره آهنین

فیلمی به کارگردانی کاتیا فون گارنیه محصول ۲۰۰۴ ایالات متحده با بازی هیلاری سوانک است. فیلم به جنبش حق رأی زنان در ایالات متحده در دهه ۱۹۱۰ می‌پردازد. فیلم داستان فعالان سیاسی زن است که



استراتژی‌های مدنی و بی‌خشونت را به کار می‌گیرند تا زنان را برای جنبش حق رأی زنان بسیج کنند، با پارلمان و ریس جمهور مذاکره کنند، کارناوال و راهپیمایی راه بیندازند، روبروی کاخ سفید تحصن کنند، زندان بروند، در مطبوعات بنویسند و سرانجام به هدف خود برسند.

جدول ۲: نشانه شناسی فیلم فرشته‌های آرواره آهنین

ویژگی‌ها	نام فیلم : فرشته‌های آرواره آهنین	نماد	شمایل	نمایه
مشخص بودن اهداف	تلاش برای عضوگیری زنان، افزایش متحدان از طریق سخنرانی‌ها و ملاقات‌های رودر رو، چانه‌زنی و بحث برابری، حق خواهی محتمل‌تر، کسب قدرت بازدارندگی و ...			✓
داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمانیافته برای موقعیتهای عادلانه‌تر	گرفتن حق برابری، کسر خسارت‌های تحمیلی از کارگران، پرداخت حق الزحمه ساعات کار اضافی، ایجاد حق مذاکره، جلوگیری از اخراج‌های خودسرانه مدیران.	✓		
داشتن ایدئولوژی	حق خواهی، ظلم ستیزی، مقاومت، خطرپذیری، نوع دوستی، مقاومت و مبارزه	✓		
تعهد و الزام	لزوم پیوستن همه زنان به این جنبش و پافشاری آیس پال برای عضویت زنان در بحث‌های کوچک و در ظاهر بی اهمیت		✓	
عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره	عضوگیری شخصی آیس پال و لوسی برنز و پافشاری شخصی برای یارگیری چهره به چهره		✓	
حریفان واقعی یا تصنعی برای ترویج و رشد جنبش	مردها و مدیران کارخانجات و شرکت‌ها			✓
نفی وضع موجود	افزایش اعضا، افزایش قدرت زنان در حق رای داشتن،			✓



مخالفت با رفتارهای خشونت آمیز	دست کشیدن دسته جمعی از کار و نخوردن غذا در زندان و اعتصاب			✓
محرومیت نسبی	حقوق پایین، نداشتن بیمه، اخراج‌های بی مورد، عدم نهاد حامی، بد قولی دولت	✓		
میتینگ‌های عمومی	دعوت از زنان از آغاز فیلم به سخنرانی و جلسه و بحث و اجتماعی کردن بیش از پیش دغدغه‌ها و کمبودها و ظلم‌ها		✓	
رژه‌های رسمی	پیاده روی سراسری، تحصن جلو دفتر دولت با آرم مخصوص جنبش. تحصن در زندان			✓
شب‌زنده‌داری‌ها	جلسات زنان و تلاش برای افزایش بیش از پیش اعضا و گسترش حوزه فعالیت جنبش			✓

نشانه‌شناسی فیلم سرزمین شمالی

فیلمی آمریکایی درام به کارگردانی نیکی کار و بازیگری شارلیزترن محصول ۲۰۰۵ می‌باشد. داستان یک زن تحصیل کرده و حس مبارزه جویی است که وارد کارخانه سنگ آهن شده و تنها خواستش حفظ ارتزاق فرزندان کوچک خود می‌باشد. اما کار کردن در آن محیط و در کنار مردان، کار بسیار سختی است و با مشکلات زیادی چون تجاوز و اذیت کردن مردهای معدن رو به رو می‌شود و این شرایط در محیط کارش بر علیه اصول آن به پا می‌خیزد و با آن مبارزه می‌کند و سرانجام به هدف خویش می‌رسد.

جدول ۳: نشانه‌شناسی فیلم سرزمین شمالی

ویژگی‌ها	نام فیلم: سرزمین شمالی	نماد	شمایل	نمایه
مشخص بودن اهداف	جنگیدن برای آزادی، برابری، مستقل شدن، دنبال وکیل برای گرفتن حق قانونی و کار در معدن	✓		
داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمانیافته برای موقعیتهای عادلانه‌تر	جمع کردن دوستان برای اتحاد و گرفتن حق، اعلام برنامه از قبل و دعوت برای سخنرانی و دوره‌هایی‌های منظم و پیوسته با وعده و وعید شرایط مناسب‌تر		✓	



داشتن ایدئولوژی	عدالتخواهی، آزادی، برابری، تغییر دادن سرنوشت به دست خود زنان، تسلیم ناپذیری، دست از مبارزه نکشیدن	✓		
تعهد و الزام	لزوم پیوستن همه زنان به این جنبش و پافشاری جوی برای عضویت زنان در بحث‌های کوچک و در ظاهر بی اهمیت			✓
عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره	اسرار و التماس رودر رو، خواهش از دوستانش برای کمک به وی برای مقابله با زورگویی و تجاوز مردان در معدن			✓
حریفان واقعی یا تصنعی برای ترویج و رشد جنبش	مرد سالاری، کارگران هوس باز و ظالم	✓		
هویت ما محور	به منافع تمام زنان می‌اندیشند. به دختران آینده و برابری‌ها		✓	
نفی وضع موجود	جوی شاهد تجاوز کارگران به زنان است، مورد آزار و اذیت کارگر است، سختی و نامناسب بودن شرایط کار		✓	
مخالفت با رفتارهای خشونت آمیز	کار سخت در محیط معدن، حقوق کم، تضاد کار منزل و معدن، آلودگی محیط کار، سوء استفاده جنسی مردان سرکارگر، تحقیر جنسی، نداشتن بیمه، اخراج‌های بی‌مورد، عدم نهاد حامی			✓
محرومیت نسبی	افزایش اعضا از طریق سخنرانی‌ها و ملاقات رودررو و افزایش قدرت		✓	
جنبش رادیکال	دعوت از تمام زنان برای شورش علیه کارگران متجاوز در معدن		✓	



ستمگری جنسیتی	ساختار پدرسالاری در خانه، تجاوز واذیت کردن کارگران معدن			✓
تفاوت جنسیتی	تلاش برای آنکه هر دختری که به دنیا می‌آید شانس برابر با مردان داشته باشد، بی‌احترامی به کارگران زن توسط کارگران مرد		✓	
پوش	تلاش عمومی پایدار و سازمان یافته برای طرح ادعاهایی در مقابل مقامات هدف		✓	
ارزشمندی	رفتار موقر و متین؛ پوشش مرتب	✓		
برنامه	حمایت یا مخالفت در خصوص کنش‌های واقعی یا فرضی اهداف ادعاهای جنبش		✓	
هویت	مدعیان (زنان کارگر) نیرویی واحد را تشکیل دادند و با یکدیگر متحد شدند			✓
جایگاه	تاکید بر پیوندها و تشابهات کنشگران جنبش با دیگر کنشگران سیاسی		✓	

نشانه‌شناسی فیلم داستان رزا پارکس

فیلمی به کارگردانی جولی داش محصول ۲۰۰۲ با بازی آنجلا باست. این فیلم زندگینامه داستان فعال حقوق مدنی رزا پارکس خانم سیاهپوستی است که روزی سوار اتوبوس می‌شود که در قسمت وسط، جایی خالی پیدا می‌کند. در آن زمان، قانون چنان حکم میکرد که اگر حتی یک نفر سفیدپوست اراده کند که در قسمت وسط بنشیند، باید همه‌ی سیاهپوستانی که در آن صندلی‌ها نشسته‌اند، جای خود را ترک کنند. چند نفر سفید پوست وارد اتوبوس می‌شوند. راننده به «رزا پارکس» و سه نفر دیگر اشاره میکند که هرچه سریعتر صندلیها را به مسافری سفید پوست بدهند. اما زمانی که با مقاومت آن چند نفر مواجه میشود، تهدید میکند که آنها را به دست قانون خواهد سپرد «رزا پارکس» آشکارا اعلام می‌دارد که صندلی‌اش را ترک نخواهد کرد. او را دستگیر و بازداشت می‌کنند و به زندان می‌برند که این کار رزا پارکس در حقیقت جرقه اولیه برای اعتراضات و به تصویب رساندن قانون حقوق مدنی سال ۱۹۶۴ می‌شود که هرگونه تبعیض نژادی در آمریکا را ممنوع می‌کرد که بعداً توسط کنگره آمریکا به عنوان «مادر جنبش آزادی» و «بانوی اول جنبش حقوق مدنی» شناخته شد.



10.30495/JSCC.2024.20015



جدول ۴: نشانه شناسی فیلم داستان رزا پارکس

ویژگی‌ها	نام فیلم: داستان رزا پارکس	نماد	شمایل	نمایه
مشخص بودن اهداف	جنگیدن برای آزادی، برابری، مستقل شدن، تلاش برای بدست آوردن آزادی، تلاش برای ایجاد عدالت، پایبندی به اهداف خود، تلاش برای بدست آوردن حقوق نژادی سیاهان	✓		
داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمان یافته برای موقعیتهای عادلانه‌تر	جمع کردن دوستان برای اتحاد و گرفتن حق، اعلام برنامه از قبل و دعوت برای سخنرانی و دورهمی‌های منظم و پیوسته با وعده و وعید شرایط مناسب‌تر	✓		
داشتن ایدئولوژی	عدالتخواهی، آزادی، برابری، تغییر دادن سرنوشت به دست خود زنان، تسلیم ناپذیری، دست از مبارزه نکشیدن، تلاش برای اصلاح قانون حقوق مدنی نژادی سیاهان			✓
تعهد و الزام	لزوم پیوستن همه زنان به این جنبش و پافشاری رزا پارکس برای عضویت زنان در بحث‌های کوچک و در ظاهر بی‌اهمیت، حبس و زندانی شدن، دوری از خانه و فرزندان			
عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره	اسرار و التماس رودر رو، درخواست از دوستان و آشنایان برای کمک به وی برای مقابله با زورگویی سفیدپوستان			✓
حریفان واقعی یا تصنعی برای ترویج و رشد جنبش	زور گویی سفید پوستان برای سیاهپوستان			✓
هویت ما محور	به منافع تمام زنان می‌اندیشند. به دختران آینده و برابری‌ها			✓



10.30495/JSCC.2024.20015



نفی وضع موجود	رزا پارکس شاهد بی عدالتی سفیدپوستان به زنان سیاهپوست است، مورد آزار و اذیت سفیدپوستان در تمام امورات زندگی است، سختی و نامناسب بودن شرایط کار	✓		
مخالفت با رفتارهای خشونت آمیز	اعتراض و ایستادگی و دفاع، سخنرانی در بین مردها تا از حق خویش دفاع کند			
محرومیت نسبی	نداشتن حق برابری سیاهان در انجام تمام امورات زندگی اعم از کار و سوارشدن در اتوبوس و مراکز عمومی			
جنبش رادیکال	دعوت از تمام زنان برای شورش علیه سیاه پوستان			
میتینگ‌های عمومی	دعوت از تمام سیاهپوستان برای دفاع از حق خود و حقوق اجتماعی خود			✓
پویش	تلاش عمومی پایدار و سازمان یافته برای طرح ادعاهایی در مقابل سیاهپوستان	✓		
ارزشمندی	رفتار موقر و متین؛ پوشش مرتب، برخورد مودبانه و صبورانه در برخورد با هرگونه رفتار نژادپرستانه و توهینی			
برنامه	حمایت یا مخالفت در خصوص کنش‌های واقعی یا فرضی اهداف ادعاهای جنبش	✓		
هویت	مدعیان (زنان سیاهپوست) - نیرویی واحد را تشکیل دادند و بایکدیگر متحد شدند			
جایگاه	تأکید بر پیوندها و تشابهات [کنشگران جنبش] بادیگر کنشگران سیاسی			✓



نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی چهار فیلم پرداخته شد و نتایج زیر به دست آمد:

در فیلم حق رأی که داستان فیلم با محوریت نقش زنانه است، داستان زنی از طبقه کارگر که شرایط کاری سخت و استثمار کننده و مورد آزار و اذیت جنسی است را شرح می‌دهد. زنی که در ابتدای امر به صورت اتفاقی درگیر جریان جنبش حق رأی زنان می‌شود، اما پس از مشاهده واکنش خشونت آمیز دولت، به عنوان مبارزی جدی مشغول به کار می‌شود و بعد از تحمل سختی‌های فراوان سرانجام به هدف خود یعنی حق رأی زنان می‌رسد.

در فیلم سرزمین‌های شمالی، شارلیز ترون یک زن تحصیل کرده که وارد کارخانه سنگ آهن شده و تنها خواستش حفظ ارتزاق فرزندان کوچک خود می‌باشد. اما کار کردن در آن محیط و در کنار مردان، کار بسیار سختی است و با مشکلات زیادی چون تجاوز و اذیت کردن مردهای معدن رو به رو می‌شود و با این شرایط در محیط کارش بر علیه اصول آن به پا می‌خیزد و با آن مبارزه میکند و سرانجام به هدف خویش می‌رسد.

در فیلم فرشته‌های آرواره آهنین فیلم به جنبش حق رأی زنان می‌پردازد. فیلم داستان فعالان سیاسی زن است که استراتژی‌های مدنی و بی‌خشونت را به کار می‌گیرند تا زنان را برای جنبش حق رأی زنان بسیج کنند، با پارلمان و رئیس جمهور مذاکره کنند، کارناوال و راهپیمایی راه بیندازند، روبروی کاخ سفید تحصن کنند، زندان بروند، در مطبوعات بنویسند، و سرانجام به هدف خود برسند.

در فیلم رزا پارکس شاهد زنی سیاهپوست هستیم که هر روز شاهد تبعیض زنان سیاهپوست در اطرافش بود که با آنها بدر رفتاری می‌شد روزی سوار اتوبوسی می‌شود. در آن زمان، قانون چنان حکم می‌کرد که اگر حتی یک نفر سفیدپوست اراده کند که در هر قسمت اتوبوس بنشیند، باید همه‌ی سیاهپوستانی که در آن صندلی‌ها نشسته‌اند، جای خود را ترک کنند. چند نفر سفید پوست



وارد اتوبوس می‌شوند. اما جایی برای نشستن آنها نیست. راننده به «رزا پارکس» و سه نفر دیگر اشاره می‌کند که هرچه سریعتر صندلیها را به مسافری سفید پوست بدهند. اما زمانی که با مقاومت آن چند نفر مواجه می‌شود، تهدید می‌کند که آنها را به دست قانون خواهد سپرد «رزا پارکس» که از آن همه بی‌عدالتی به ستوه آمده است آشکارا اعلام می‌دارد که صندلی‌اش را ترک نخواهد کرد. او را به جرمی که مرتکب نشده و مقاومت در برابر نژادپرستانه دستگیر و بازداشت می‌کنند.

باتوجه به نظریه نابرابری جنسیتی که جایگاه زنان در بیش‌تر موقعیت‌ها نه تنها متفاوت از جایگاه مردان، که از آن کمتر و با آن نابرابر است و این نابرابری‌ها از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد و نظریه تفاوت جنسیتی که مضمون اصلی این نظریه این است که زنان از ارزش‌ها، داوری ارزشی، انگیزه‌ها، سود، خلاقیت ادبی، احساس هویت، فراگرد آگاهی، و ادراک در ساخت واقعیت اجتماعی، بینش و برداشتی متفاوت از مردان دارند و نظریه ستمگری جنسیتی که در این نظریه با مفروض انگاشتن ساختار پدرسالاری در جامعه، موقعیت زنان بر حسب رابطه‌ی قدرت مستقیم میان مردان و زنان به گونه‌ئی تبیین می‌شود که زنان در قید و بند، تابعیت، سوء استفاده، و بدرفتاری مردان قرار دارند. این فیلم‌ها با این سه نظریه از نظریه‌های بنیادی فمینیستی ریتزروهمچنین نظریه چارلز تیلی که توان جنبش‌های اجتماعی را متشکل از ترکیبی با عنوان wunc می‌داند که از ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد تشکیل یافته است. و در صورتی که این ترکیب به صفر برسد، توان جنبش نیز صفر خواهد شد و جنبش اعتبار خود را از دست خواهد داد. بطوریکه تجلیات WUNC می‌توانند به صورت بیانیه‌ها، شعارها، یا برچسب‌هایی که دلالت بر ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد بروز نمایند: شهروندانی که برای عدالت متحد شده‌اند، امضاکنندگان یک قسم‌نامه، حامیان قانون اساسی باشند، همخوانی و هم‌سوئی دارد.

بنابراین می‌توان از یک رابطه دوسویه کلان بین جامعه و سینما سخن گفت که با استفاده از نظریه‌ی بازنمایی در جامعه شناسی هنر قابل دفاع است. یعنی فرآیندی که در طی آن هم جامعه و مسائل و مشکلاتش در سینما منعکس می‌شود و هم سینما با ساختن واقعیاتی هر چند در حد



تصور عمومی و جهت دهی به افکار عمومی در سطح ذهنیت‌ها، بر نگرش‌ها و افکار و بالتبع آن رفتار افراد جامعه، تاثیرگذار است.

این پژوهش بر روی فیلم‌های سینمایی جنبش زنان، که در دهه‌های ۱۸ و ۱۹ اتفاق، انجام گرفته است و هدف از این پژوهش شناسایی تغییرات و تحولات اجتماعی در این آثار می‌باشد. در این پژوهش، مشخص شدن عناصری که در همه فیلمها وجود دارد تغییرات و تحولات و جنبش‌های اجتماعی است و مضمون اصلی فیلم‌های جنبش‌ها دغدغه هویت و مسائل اجتماعی بوده است. اما میزان و نوع این فیلم‌ها با توجه به اینکه در زمانهای مختلف انجام شده، متفاوت است. در واقع سینما به عنوان یکی از رسانه‌های جمعی که قادر به بازنمایی و ساختن واقعیت نماهاست، بر شکل‌گیری و تغییر هویت افراد جامعه موثر خواهد بود. در واقع آثار سینما گر مولف به عنوان بازنمایی و آئینه‌ی جامعه، همزمان با تغییرات اجتماعی-فرهنگی ایجاد شده در نگرش‌ها و هویت افراد در جامعه امروز که خود متأثر از تغییر و تحول نقش‌ها مختلف در جامعه و سایر عرصه‌های اجتماعی است. لذا سینما به عنوان یک هنر مدرن و «برتر» نسبت به دیگر هنرها «با زمینه اجتماعی‌اش رابطه تنگاتنگی دارد» و از این جهت می‌تواند بازنمای مسایل و واقعیات زندگی انسانی و شاخصی برای سنجش وضعیت فرهنگی و اجتماعی باشد؛ چرا که سینما به قول بنیامین «از یکسو فهم ضروریات حاکم بر زندگی‌مان را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، فضای کنش گسترده و فارغ از انتظاری را برای ما فراهم می‌سازد». از این نظر، مطالعه‌ی سینما به عنوان یک عنصر فرهنگی و اجتماعی، می‌تواند ما را به عمق لایه‌های حیات اجتماعی کنونی‌مان برساند. یکی از این لایه‌های قابل مشاهده در فیلم‌های سینمای، چنانکه این پژوهش درصدد پرداختن به آن بود، بررسی تحولات و تغییرات فرهنگی و جنبش‌های اجتماعی است. چنانکه فیلمهای بررسی شده به دلیل آنکه از دو دوره‌ی تاریخ سینمای جنبش زنان و حق رأی زنان انتخاب شده‌اند حکایت از این روند تغییرات و تحولات اجتماعی در بازنمایی جنبش‌های اجتماعی است.

**منابع****کتاب:**

پی استون، برایان (۱۳۸۳). *مفاهیم مذهبی و کلامی در سینما*. ترجمه امید نیک فرجام، تهران بنیاد سینمایی فارابی

تیلی، چارلز (۱۳۸۵). *از بسیج تا انقلاب*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده انقلاب اسلامی.

تیلی، چارلز (۱۳۸۹). *جنبش‌های اجتماعی ۲۰۰۴-۱۷۶۱*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

دلپورتا، دوناتلا؛ دیانی، ماریو (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی*، ترجمه‌ی: محمدتقی دلفروز، چاپ اول تهران: انتشارات کبیر.

ریتزر، جورج (۱۳۸۹). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: چاپ پانزدهم.

زاهد، سعید، صبوری، محمدحسین (۱۳۸۹) *جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران*، تهران: انتشارات سروش

محمد پور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش ۲*، جلد ۲، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

نش، کیت (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه محمد تقی دلفروز، نشر کویر.

مقاله‌ها:

امین صارمی، نوذر (۱۳۹۵). «زمینه‌های گرایش زنان به جنبش‌های جدید اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد کرج)»، *دوفصلنامه مطالعات پلیس زن*، سال دهم، شماره ۲۵، از ص ۱۷-۵.

حشمت زاده، محمدباقر، نوذری، محمداسماعیل (۱۳۹۲). «بازخوانی نظریه جنبش اجتماعی: چارچوبی برای تحلیل و شناخت بسیج جنبش‌های اسلامی»، *فصلنامه تخصصی (علمی-*



پژوهشی)، علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج :: بهار ۱۳۹۲، سال نهم - شماره ۲۲، (ازص ۲۴۸-۲۱۳).

عبداللهی، رضا؛ شورگشتی، محسن؛ اخوت پور، بابک (۱۳۹۱). «نقش رسانه‌های نوین در جنبش‌های اجتماعی (مطالعه موردی جنبش تسخیر وال استریت)»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال ۱۳، شماره هجدهم، ۲۸ص.

هزار جریبی، جعفر؛ امین صارمی، نوذر (۱۳۸۹). «جنبش‌های اجتماعی به مثابه قدرت نرم»، مجله: مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم؛ شماره ۳ علمی-پژوهشی (۱۸ صفحه - از ۴۸۶ تا ۵۰۳).

پایان نامه‌ها :

اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۱). «تاثیر تحولات اجتماعی ایران در آثار سینمایی ابراهیم حاتمی کیا»، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

صدقی، رضا (۱۳۸۸) «جنبش‌های جدید اجتماعی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی مطالعه موردی موردی جنبش زنان ایران در استفاده و خشنودی از اینترنت»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

محمد کریمی، شهربانو (۱۳۸۲) «بررسی تطبیقی جنبش زنان و عوامل موثر بر آن مورد کشورهای ترکیه آمریکا و ایران»، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۹۸۵ص.

مهدی زاده، سیدمحمد (۱۳۸۳) «بازنمایی ایران در مطبوعات غرب، تحلیل انتقادی گفتمان «نیویورک تایمز»، «گاردین»، «لوموند» و «دی رایت» ۲۰۰۰-۱۹۹۷م»، رساله دکتری، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی.

DEBORAH HOPKINSON and WHO HQ Illustrated by LAURIE A. CONLEY ,What Is the Women's Rights Movement? , October 16, 2018



10.30495/JSCC.2024.20015



Dorothy Sue Cobble , The Other Women's Movement: Workplace Justice and Social Rights in Modern America (Politics and Society in Modern America) Sep 1, 2005

Hall, Stuart (1997) "Representation, Meaning and language" In, S. Hall et al. (eds), Representation and Signifying Practices, London: Sage Publications Ltd.

Harvey, D. (1989), The Condition of Postmodernity, Cambridge: Basil Blackwell.

Nancy MacLean, The American Women's Movement, 1945-2000: A Brief History With Documents by Nancy MacLean. Bedford/St. Martins, 2008

Sidney Tarrow, Strangers at the Gates: Movements and States in Contentious Politics. March 26, 2012

Tilly ,C and Sidney Tarrow , Contentious Politics, Sep 15, 2015.

Tilly, C. From Mobilization to Revolution .Reading MA : Addison Wesley .1978.

Articles:

Sarah Becker , Danielle Thomas, Michael R Cope, Media, Culture & Society, vol. 38, 8: pp. 1218-1235. , First Published April 21, 2016.

<https://www.amazon.com>.

<http://www.imdb.com/chart/top>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی